

## نگاهی به اشیاء سفالین در منطقه‌ی گوهرتپه

خود جلب نموده است. به نظر آنها این محل به عنوان یکی از شاخصه‌های مطالعاتی پیش از تاریخ (به ویژه دوره‌ی نوسنگی) استان‌های شمالی کشور در پیوند با بخش‌هایی از آسیای مرکزی اهمیت دارد؛ به‌خصوص آنکه برخی از گره‌های مطالعاتی و فرهنگی دوره‌های مفرغ و عصر آهن را می‌گشاید. جذابیت گوهرتپه تنها به سبب شناخت گاه‌نگاری‌های باستان‌شناختی نیست بلکه اشیاء نهفته در آن، شکل و شمایل ظروف، شیوه‌ی طراحی، ساخت و جنبه‌های آیینی آن نیز اهمیت دارد.

مؤلف در تدوین مطالب پیش‌رو، نگاهی دارد به شکل تدفین‌ها، اشیاء دفن شده، ابعاد و تناسب اشیاء به دست آمده و تطبیق آن با ظروف مشابه در تپه مارلیک (گیلان) با این امید که با کاوش‌های بعدی، ارزش‌های ماندگار این منطقه که بخشی از تمدن ایرانیان است بیش از پیش انعکاس یابد.

### گوهرتپه و ظروف سفالی

گوهرتپه در یازده کیلومتری شمال غربی شهر تاریخی بهشهر (مازندران) و نزدیک دو غار باستانی هوتو<sup>۲</sup> و کمریند<sup>۴</sup> قرار گرفته است.

منطقه‌ی وسیع گوهرتپه از دهه‌های قبل در اثر حفاری‌های غیرمجاز مورد توجه کاوشگران میراث فرهنگی کشور قرار گرفته و با پیگیری‌های انجام شده از سال ۱۳۷۹ تاکنون (۱۳۸۵) دو سایت آن در قالب موزه در برابر دیدگان گشوده شده است. «طی گمانه‌زنی‌های کارشناسان میراث فرهنگی استان مازندران، وسعت منطقه‌ی باستانی گوهرتپه حدود ۵۰ هکتار ارزیابی شده» و احتمالاً با حفاری‌های گسترده در سال‌های آینده با اطلاعات جامع‌تر و پربرتری نیز روبه‌رو خواهیم شد.<sup>۵</sup> (تصویر ۱)

با مشاهده محل کنونی دو سایت حفاری شده، آثاری نظیر گورهای

مشاهده‌ی صنایع دستی ایران به ویژه دست ساخته‌ها علاوه بر آشنایی با تعامل و تبادل فرهنگ‌ها، مبین شیوه‌ی تفکر و اعتقادات آنها است. بدیهی است برای گشودن زوایای پنهان و آشکار این هنر و صنعت دست، نیاز به معرفی برخی خرده‌فرهنگ‌ها در اقوام ایرانی است.

نوشته‌ی حاضر به اشیاء و ظروف سفالین منطقه گوهرتپه، یازده کیلومتری شهرستان بهشهر<sup>۱</sup> (استان مازندران)، می‌پردازد که امروزه به عنوان منطقه‌ی باستانی در سازمان میراث فرهنگی کشور ثبت گردیده است. مطالعات باستان‌شناسی اشاره به قدمت هفت هزار ساله‌ی این منطقه دارد و یافته‌های دوران مفرغ (هزاره سوم) تا عصر آهن II (اواسط هزاره دوم ق. م) را آشکار می‌سازد. هم‌چنین براساس مطالعه‌ی نهایی در گمانه‌های لایه‌نگاری دوره‌های موجود در گوهرتپه، قدمت این منطقه مربوط به دوران مس و سنگ (کالکولیتیک)<sup>۲</sup>، مفرغ (برنز) و عصر آهن می‌باشد که آثار فراوانی شامل گونه‌های سفالی، معماری و ابزارهای تزئینی و جنگی را مشخص می‌کند. اینکه منطقه‌ی مذکور دقیقاً چقدر وسعت داشته و دارای چه تحولات شهرنشینی بوده است باید در کاوش‌های آتی مورد بررسی دقیق قرار گیرد، لیکن وجود آثار بسیار زیبا اعم از مجسمه‌ها، پیکرک‌ها و ظروف سفالین یافت شده در این منطقه مبین هوش، ذکاوت و تسلط در شیوه‌ی فن‌آوری و توانمندی ساکنان آنجا است.

**کلید واژه‌ها:** اشیاء سفالی، زیبایی، تناسب، تزئین و کاربرد، صنایع

دستی.

### مقدمه:

نگاه به مجموعه‌ی باستانی گوهرتپه به عنوان یکی از استقرارگاه‌های عصر برنز و آهن در استان مازندران، توجه محققان باستان‌شناسان را به



تصویر ۱: بخشی از سایت گوهرتپه

تدفین شده به همراه اشیاء سفالین، لوازم آرایشی و تزئینی، ادوات جنگی، ابزارهای کوچک سنگی، پیکره‌های کوچک سفالی و سنگی از حیوانات به چشم می‌خورد. (تصویر ۲)

همچنین در قسمتی از لایه‌های کشف شده، بقایای کوره‌ی صنعتی به همراه خاکستر اجاق در کنار آن جهت ذوب فلزات و پخت سفال به دست آمده و این مهم، حاکی از پیشرفت ساکنان گوهرتپه در فن پخت آثار سفالین است. از سویی استحکام و ظرافت در ساخت اغلب اشیاء سفالین و تقارن کامل آن، نشانگر استفاده از چرخ سفالگری است. باستان‌شناسان، زمان ساخت اشیاء را مربوط به عصر مفرغ (برنز) میانی می‌دانند. این اشیاء سفالین به همراه ساکنانشان مدفون شده‌اند. شکل تدفین‌ها حالت جنینی (چمباتمه‌ای) دارند که گویی مبتنی بر آیین و رسومات مذهبی بوده است. (تصویر ۳) ظروف دفن شده به رنگ‌های خاکستری روشن، تیره و قرمز روشن می‌باشند.

اندازه تقریبی سفالینه‌ها حدود ۲۵ تا ۳۳ سانتی‌متر است و در اطراف سر، کمر و شکم متوفی قرار دارند. تعداد و نوع ظروف دفن شده در قبور متفاوت است و در انواع جام‌های کوتاه و بلند، کاسه، پیمانه، خمره (جهت نگهداری غلات)، عودسوز و ظروف کوچک‌تر با آبریز بلند منقاری شکل مشاهده می‌گردند.

### تناسب و زیبایی در ظروف سفالین

ابعاد و اندازه‌ی ظروف علاوه بر کاربری، از زیبایی و تناسب خاصی برخوردارند. این عوامل در طراحی دسته، محل ریختن آب، تنه و پایه کاملاً به چشم می‌خورد که به چهار گروه تقسیم می‌گردند:

گروه اول، ظروف منقاری شکل و بدون دسته، گردن و پایه. گروه دوم، ظروف دارای دسته، گردن و پایه با نقوش زیگزاگ و طرح گیاه. گروه سوم، ظروف ساده بدون دسته و پایه نظیر پیمانه و کاسه. گروه چهارم، پیکره‌های کوچک سفالی (ریتون) از حیوانات اهلی نظیر اسب و گاو.

موارد بالا علاوه بر کاربرد ویژه هر گروه از ظروف سفالین، اندازه‌ی تقریبی مشابهی دارند. ظروف منقاری شکل، علاوه بر ساخت دقیق که حاکی از پیشرفت فنی ساکنان گوهرتپه است، دارای کشیدگی مناسب در ارتفاع و طول می‌باشند. (تصویر ۴)

طرح محل ریزش آب، متأثر از منقار پرندگان بوده و از انحنای ظریفی نیز برخوردارند. کشیدگی و طول آن هماهنگی خوبی با بدنه دارد. همچنین کشیدگی و ارتفاع ظروف منقاری (گروه اول) از یک قاعده‌ی کلی و یکسان تبعیت می‌کنند و دهانه‌ی باز آنها نشان از کاربری مشابه دارد. البته به نظر می‌رسد ظرافت یکی از ظروف (بین ظروف این مجموعه) در شیوه‌ی ساخت، دقیق‌تر و از اصول زیبایی‌شناختی خاصی پیروی می‌کند. (تصویر ۵) برجستگی آرام و حساس در سمت راست دهانه و ابتدای شکل منقاری آن، آن را از یکنواختی طرح خارج نموده و از دیگر ظروف متمایز می‌سازد. نظیر این ظرف در مجموعه سایت گوهرتپه کمتر مشاهده می‌شود. (تصویر ۵)

اما طراحی ظروف گروه دوم دارای ارتفاع و بدنه کم و بیش یکسانی می‌باشند. (تصویر ۶) دسته‌های کوچک یا بزرگتر، متناسب با کاربرد هر یک



تصویر ۲: بخشی از سایت گوهرتپه



یعنی جنوب دریای مازندران آثار مردمانی که به زبان ایرانی غیرکاسی سخن می‌گفتند، دیده شده است.<sup>۷</sup>

آن‌ها تهاجمی مهاجرت نکردند بلکه ورودشان تدریجی بوده و با مردمان بومی ساکن فلات همیاری و همزیستی مسالمت‌آمیزی را پیش گرفته بودند. در این موقع است که سفال نقاشی شده‌ی کهن از میان می‌رود و به جای آن سفال‌های صاف و صیقل شده رواج پیدا می‌کند.<sup>۸</sup> البته هنوز کاوش چندانی برای آگاهی از «ماناییان» انجام نگرفته است و اسناد متقنی در دست نیست. با این وجود چندین تپه از جمله تپه‌ی مارلیک<sup>۹</sup> در منطقه گوهررود (نزدیک رودبار) به سرپرستی دکتر عزت‌الله نکهبان در سال ۱۳۴۱ شمسی (۱۹۶۲ م) حفاری شده که مربوط به هنر مانایی یا کشور «مان» می‌باشد و در آن تعدادی سفالینه بی‌نقش به شکل گاوهای ساده شده (مشهور به گاوهای املش) به همراه گورهای متعلق به شاهزادگان به دست آمده که مشابه آنها را در منطقه‌ی گوهرتپه شهرستان بهشهر مشاهده می‌کنیم، یعنی پیکرک‌های کوچک سفالی یا ریتون. (تصویر ۹)

گاو کوهاندار و پیکره‌های کوچک کشف شده در گوهرتپه، بدون تزئین یا دارای حداقل تزئین می‌باشند که حکایت از شیوه‌ی واقع‌گرایانه و تقلیدی از اندام حیوانات دارند. پیکره‌ی گاو علی‌رغم شکست شدید قسمت‌های میانی، شاخ و دم، دارای ارتفاع ۹/۵ و طول ۲۸ سانتی‌متر است. در یک مقایسه‌ی کلی می‌توان گفت تناسب و هماهنگی اجزاء و کل پیکره‌ی گاو مکشوف در گوهرتپه، نازل‌تر از پیکره‌ی گاو املش است. ابعاد و قوس‌های ظریف و

طراحی شده که در زیبایی اندام ظروف نقش مهمی دارند. علاوه بر ظرافت در ساخت، برخی از آنها با زائده‌ی خطی باریک، از دیگر ظروف دسته‌دار متمایز شده‌اند (تصویر ۷) به نظر می‌رسد این زائده‌ی باریک در کاربرد ظرف سفالی نقش چندانی ندارد. با اندکی دقت، می‌توان دو احتمال برای پدیدآمدن آن پیش‌بینی نمود، اول آنکه این برجستگی ظریف در تاریکی شب (به هنگام نیاز شخص) موقعیت بدنه ظرف را مشخص می‌سازد و احتمال دوم، جهت پیشگیری از یکنواختی طرح پدید آمده است. ظاهراً این نگاه دقیق از روی تصادف نیست بلکه اشاره به هوش و ذوق زیبایی‌شناختی طراح به عنوان یک مجسمه‌ساز (در عصر خود) و نه یک سفالگر معمولی دارد. (تصویر ۶)

هم‌چنین بین ظروف گروه دوم، دو عودسوز نیز رویت می‌گردد. وجود سوراخ‌های منظم، حکایت از کاربرد آنها دارد. نصب چهار دسته‌ی کوچک برای عبور ریسمان جهت آویز این عودسوزها است. شیوه‌ی ساخت آنها دو تکه است: بخش پایه و بدنه، اما از ظرافت و تناسب اندام شایسته‌ای نظیر آنچه در ظروف دیگر بوده، برخوردار نیستند.

از ویژگی‌های دیگر ظروف سفالین دسته‌دار در منطقه‌ی گوهرتپه، وجود نقش‌های ساده در آنها است. ظاهراً سفال‌های نقش‌دار در کنار ظروف سفالی صاف و صیقل شده رواج داشته است، هر چند تعداد سفال‌های صاف بیشتر از سفال‌های نقش‌دار می‌باشند. احتمال می‌رود این شیوه‌ی طراحی، متأثر از هنر «مانایی‌ها» باشد. (تصاویر ۷ و ۸)

گفتنی است در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در نواحی شمالی ایران



تصویر ۳

نوع دیگر آن، محصور کردن مردگان با تعدادی خشت است. تنها چند نمونه از این نوع معماری قبور مربوط به عصر آهن است. ساکنان دو یا سه طرف جسد را با خشت می‌چیدند و آن‌گاه با قراردادن ظروف بر بالای سر آنها، پوشش خاکی ایجاد می‌کردند. اما گور خمره‌ها (تصویر ۱۲) عموماً متعلق به کودکان و خردسالان است. با تجزیه‌ی شکل اکثر استخوان‌ها در داخل خمره و کوچک بودن برخی از اعضای به دست آمده می‌توان احتمال داد که خفتگان داخل حفره‌ها، بچه‌های کوچک بودند. در داخل گور بچه‌ها، علاوه بر قرارگیری وسایل تزئینی، ظروفی نیز قرار گرفته که از بارزترین آن می‌توان به ظرف شیرمک اشاره کرد.

#### دیگر اشیاء به دست آمده از کاوش‌های گور تپه

بخشی از کاوش‌های منطقه‌ی گور تپه شهرستان بهشهر، اختصاص به اشیاء سنگی (مانند سنگ ساب و مشته سنگی)، اشیاء گلی و استخوانی نظیر دوک<sup>۱۳</sup> (نخ تاب یا همان آلتی که نخ روی آن پیچیده می‌شود)، ژتون<sup>۱۴</sup> (پولک‌های استخوانی که در قمارخانه‌ها و برخی کافه‌های قدیم به جای پول دادوستد می‌شد) و اشیاء تزئینی نظیر گردنبند، دستبند، موبند، سنجاق سر، انگشتر، گوشواره و ابزارهای استخوانی و فلزی نظیر سرنیزه و خنجر دارد. اشیاء تزئینی اغلب همراه شخص متوفی دفن شده‌اند و ظاهراً کاربرد آن در میان همه‌ی اقشار متداول بوده است. جنس اشیاء از مفرغ و آهن بوده و با وجود شرایط نامساعد و رطوبت، از گزند عوامل تخریبی محفوظ مانده‌اند. اما رویت ابزارهای سنگی و استخوانی با وجود کاربرد اشیاء فلزی، ظاهراً کارایی فراوان داشته است، شاید دلیل اصلی آن وجود کانی‌های چرت در دیوارهای کوهستانی البرز (در ناحیه شهرستان بهشهر) بوده که منبع خوبی برای ساخت ابزارهای سنگی می‌باشد. با مشاهده‌ی ابزارها، گوشه‌های بسیار تیز یا دندان موشی جلب نظر می‌کنند. به نظر می‌رسد کاربرد ابزارهای سنگی دندان موشی به جای داس امروزی به کار می‌رفته و در برداشت خوشه‌های

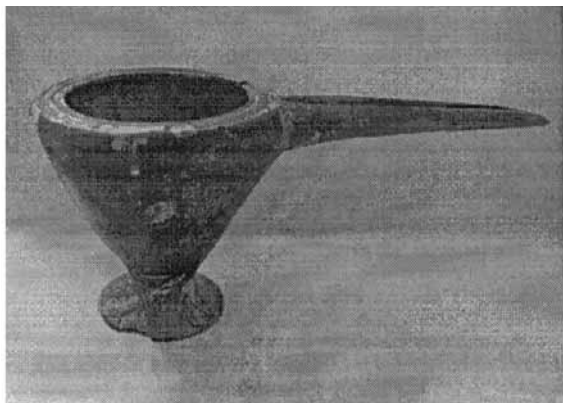
حساب شده در گاو املش علاوه بر کارایی، زیبایی شگفت‌انگیزی برخوردار است و می‌توان آن را با حرفه‌ای‌ترین آثار حجمی هنرمندان معاصر قابل مقایسه دانست. از سویی پیکرک‌های سفالی منطقه‌ی گور تپه، نه از جنبه‌ی هنر انتزاعی بلکه فقط شکل واقع‌گرایانه آن به علاوه جنبه کاربردی‌اش (به عنوان ریتون) اهمیت دارد. (تصویر ۱۰)

#### گور خفتگان در گور تپه

پیش‌تر گفته شد که اشیاء مفرغی و آهنی به دست آمده از گور تپه بیشتر در میان گورها رویت شده‌اند که شامل خنجر، سرنیزه، لوازم آرایشی چون سنجاق سر، پلاک، گوشواره، انگشتر و مقتول‌های فلزی است. اشیاء مذکور بیشتر از داخل گورهای عصر آهن به دست آمده و ظاهراً طبق اعتقاد ساکنان گور تپه هر شخصی می‌بایست پس از مرگ با آلات و ابزار مرتبط با شغل و فعالیت اجتماعی خویش دفن می‌شد. (تصویر ۱۱) وجود انواع ظروف سفالین و آلات جنگی، حاکی از اعتقاد آنان به دنیای پس از مرگ و چگونگی محسوس شدن افراد در دنیای آخرت است. البته موقعیت دفن همه‌ی مردگان به یک سمت خاص نیست ولی حالت جنینی آنها (به جز یک مورد که مدفون حالت طاق باز دارد) به طور مشترک قابل رویت است.

به طور کلی معماری گور خفتگان در گور تپه به سه شیوه انجام می‌شده است: چاله‌های بیضی شکل، محصور شده به وسیله‌ی خشت و گورهای خمره‌ای. (تصویر ۱۱)

به نقل از آقای مهندس ماهفروزی مسئول سایت باستانی گور تپه و محقق سازمان میراث فرهنگی مازندران، کلیه تدفین‌های به دست آمده در دوره‌ی مفرغ (برنز) و اکثر تدفین‌های عصر آهن به شکل ساده می‌باشند، یعنی ساکنان با حفر چاله‌های بیضی شکل، مردگان را داخل آن قرار داده و با قراردادن اشیاء در کنار آن با خاک پوشش ایجاد می‌کردند.<sup>۱۳</sup>

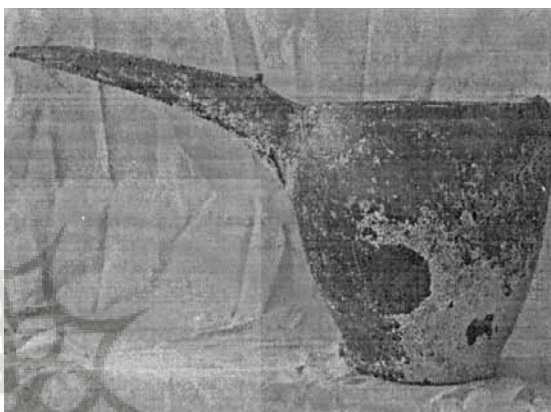


با نقوش زیگزاگ داغدار که به عقیده‌ی باستان‌شناسان سایت گوهرتپه، مربوطه به عصر آهن II می‌باشد در کنار سفال‌های خاکستری (تیره و روشن) مدفون شده با مردگان قابل توجه هستند. وجود ظروف سفالی (ریتون) نشان می‌دهد که در طراحی آنها از منقار پرنندگان اقتباس شده و این طراحی مشابه طرح‌های دیگر در مناطق مختلف ایران باستان است، به ویژه ظروف مکشوف در منطقه‌ی مارلیک (گیلان).

تناسب همراه با ظرافت پیکرک‌های حیوانی گوهرتپه که احتمالاً مربوط به هنر اقوام مانا است گرچه شیوه‌ی واقع‌گرایانه دارند و از پیکره‌های انتزاعی گاو املش (گیلان) متمایز هستند اما تلاش ساکنان گوهرتپه را در شیوه‌ی طراحی از حیوانات اهلی منعکس می‌سازد. البته نقاط اشتراک آنها در بخش کاربری (یعنی ریتون) حیوانات قابل ملاحظه است.

ساکنان منطقه‌ی گوهرتپه علاوه بر طراحی و ساخت ریتون‌ها از اشیاء روزمره‌ی دیگری نظیر اشیاء تزئینی، سنگی و استخوانی نیز بهره‌ها بردند. کاربرد ابزارهای استخوانی برای خوشه‌چینی در کشاورزی و شکار حیوانات، اشیاء تزئینی و زیورآلات برای آرایش، همگی پس از بهره‌گیری در جهان مادی، در دنیای دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند تا زندگی ابدی آنها را جاودانه سازند. بنابراین برای نیل به این مقصود هرگونه بازنمایی می‌بایست کاملاً صریح بوده باشد. به نظر می‌رسد ساخت کلیه‌ی آثار موجود در گوهرتپه علاوه بر کیفیات مادی، جنبه‌های انتزاعی را به خوبی بیان می‌دارند. هر چند محدودیت در ساخت اشیاء مانع نوآوری در طراحی است اما آنچه ساخته‌اند انعکاس دهنده‌ی جلوه‌های آرمانی و مطلوب در عصر خود می‌باشد.

تصویر ۵

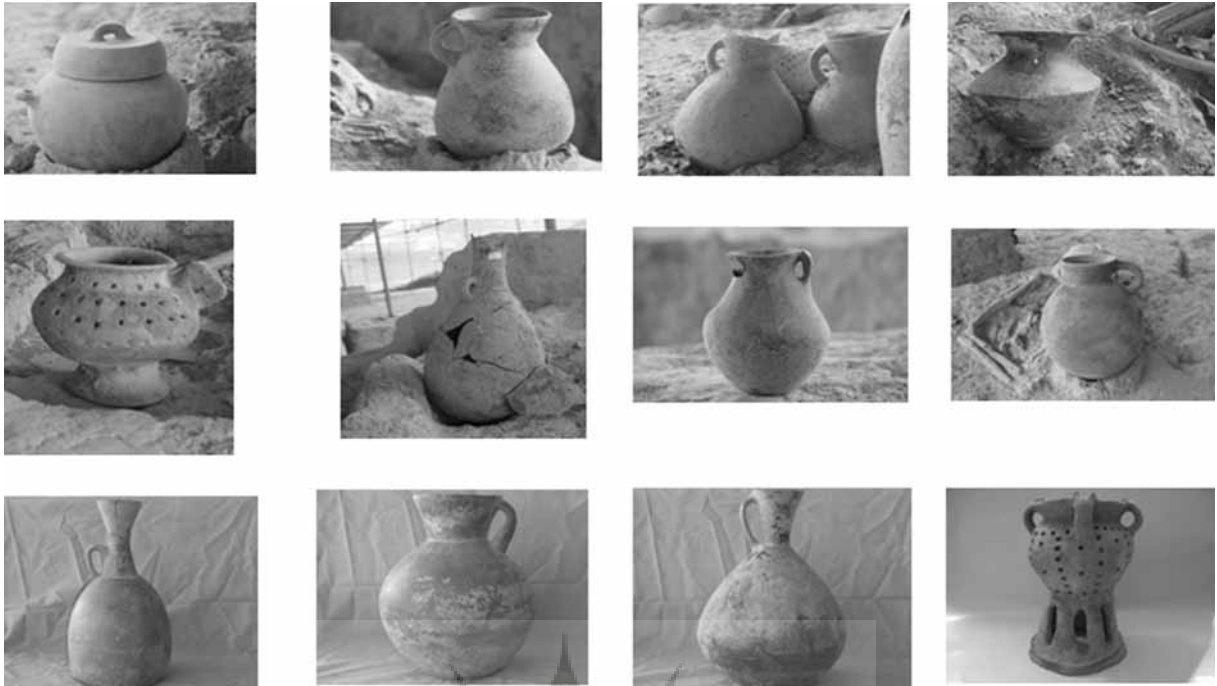


گندم و جو مؤثر بوده‌اند.

### نتیجه:

وجود منابع فراوان صنایع دستی در گوهرتپه، به چگونگی تحول آنها از دوران مفرغ (برنز) تا عصر آهن اشاره دارد. وجود شیوه‌های نوین طراحی در اشیاء سفالی و فلزی، موارد بسیار جالبی را برای پی بردن به تفکر و زندگی آنها پیش رو می‌نهد. استفاده ساکنان از اشیاء به ویژه اشیاء سفالین با توجه به وجود صنعت چرخ سفالگری از عصر مفرغ (برنز) تا عصر آهن، بهره‌گیری از فن پخت سفال و ذوب فلزات (که بقایای کوره صنعتی به همراه خاکستر اجاق کنار آن مشاهده شده است)، ما را به پیشرفت قابل توجه فنون در منطقه‌ی باستانی گوهرتپه رهنمون می‌سازد. هم‌چنین سنت تدفین مردگان به حالت جنینی و قرار گرفتن ظروف متنوع در کنار آنها از اعتقاد ساکنان به دنیای دیگر و از ارتباط شیوه‌ی زندگی در دنیای مادی با جهان آخرت سخن می‌گوید. یعنی ساخت ظروف علاوه بر کاربری روزمره، کاربرد آیینی هم دارند، بنابراین سفالگر موظف بوده به زیباترین شکل ممکن آن را بسازد.

به نظر می‌رسد تمامی گونه‌های سفالی، سنگی، شیوه‌ی معماری و مراکز کوچک صنعتی، حاکی از تحول فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی شهرنشینی و ارتباط انسانی خرد و کلان باشد. زیرا با گمانه زنی‌های باستان‌شناسان در حدود ۵۰ هکتار زمین‌های منطقه‌ی گوهرتپه (که امروزه در اختیار کشاورزان می‌باشد) به مواد فرهنگی فراوانی اشاره می‌کند که حاکی از گستردگی نظام اجتماعی ساکنان آن می‌دهد. ساخت سفال‌های قرمز براق صیقل شده



تصویر ۶

### پانوشت‌ها:

۱- بهشهر در طول تاریخ به نام‌های متعددی خوانده شده، از جمله کیودجامه، پنجاه هزار، پنج‌هزار، هزار جریب، کلباد، قره‌طغان و خرگوران یا خرگوران به معنی سرزمین بزرگان یا سرزمین دشت‌های وسیع (برداشت از کتاب سیمای میراث فرهنگی مازندران، گردآورنده خانم شهربانو وفایی، ص ۴۰) این شهر در سال ۱۰۲۱ هـ. ق. به وسیله‌ی شاه عباس اول با نام اشرف بنیان‌گذاری شده است. مورخ صفوی اسکندر بیگ منشی درباره‌ی بناهای این شهر می‌نویسد «...باغ‌ها و عمارات عالی از قبیل کاخ، حمام، تالارها و بیوتات توسط استادان چیره‌دست ساخته شد و بر این شهر همان نام اشرف گذارده شده» (برداشت از کتاب عالم‌آرای عباسی، اثر اسکندربیک منشی، ص ۹۳).

### 2 - Chalcolithic

۳- غار هوتو مربوط به «دوره‌های میان‌سنگی (۹۰۰۰ ق. م) و نوسنگی (۷۰۰۰ ق. م) و عصر آهن (۱۲۰۰ ق. م) است که در سال ۱۹۴۹ میلادی برای اولین بار مورد کاوش قرار گرفت و تعدادی سفال منقوش و قطعاتی از ابزارهای سنگی به دست آمد» (نقل از کتاب اطلاعات عمومی هنر، حسین محسنی و بهرام نفری ص ۱۴)

۴- غار کمریند، نام محلی در حومه شهرستان بهشهر (مازندران) که در آن بقایای تمدنی متعلق به هفت هزار سال قبل از میلاد یافت شده است. «آثار مکشوف در این غار شامل تیر سنگی و تعدادی ظروف سفالی ساخته‌ی دست (از عصر نوسنگی) می‌باشد» (برداشت از کتاب واژه‌های عمومی هنر، محمد اعظم‌زاده، ص ۱۳۱)

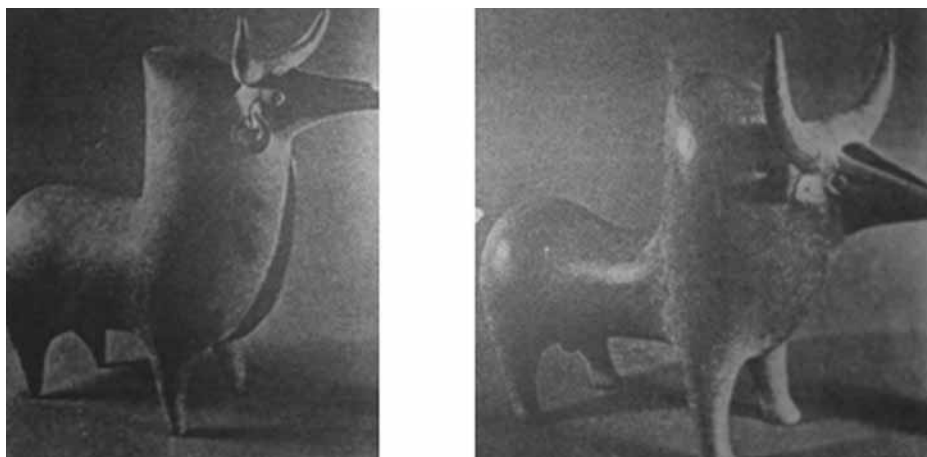
۵- علی ماهفروزی، مقاله پژوهش‌های باستان‌شناسی گوهرتپه، ص ۴  
 ۶- وجود کانی‌های چرت در دیوارهای کوهستانی البرز در قسمت شرق مازندران به ویژه‌ی منطقه بین شهرهای نکا و بهشهر مهم‌ترین منبع جهت ساخت ابزارهای سنگی است.

۷- در کتاب تاریخ هنر تألیف حبیب‌الله آیت‌اللهی، ص ۶۲ درباره‌ی کشور «مان» آمده که: در هزاره‌های سوم پیش از میلاد، در نواحی شمالی ایران یعنی جنوب دریای مازندران آثار مردمانی که به زبان ایرانی غیر کاسی سخن می‌گفتند دیده شده است آنان با هوری‌های میان دو رود شمالی و آناتالوی که در سده‌ی سیزدهم در ارمنستان کنونی به نام اورارتو حکومت کردند نسبت و پیوند داشتند. آنها در شمال ایران و به ویژه در مازندران و آذربایجان دولت نیرومندی تشکیل دادند که دولت مان یا مانایان نامیده می‌شود و در هزاره اول جای خود را به مادها دادند. لازم به یادآوری است که اطلاعات جامع در این باره در کتاب قوم‌های کهن در آسیای



تصویر ۸

تصویر ۷



تصویر ۱۰



تصویر ۱۲: گور خمره‌ای

تصویر ۱۱

### منابع:

- ۱- آیت‌اللهی، حبیب‌الله. کتاب ایران (تاریخ هنر): تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۰.
- ۲- اسکندربیک منشی. عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، جلد ۲، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- ۳- اعظم‌زاده، محمد. واژه‌های عمومی هنر، تهران: انتشارات مارلیک، ۱۳۸۴.
- ۴- عمید، حسن. فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۵- ماهفروزی، علی. پژوهش‌های باستان‌شناسی گوهرتپه، سازمان میراث فرهنگی استان مازندران، ۱۳۸۴.
- ۶- محسنی، حسین، نفری، بهرام. اطلاعات عمومی هنر، تهران: انتشارات عفاف، ۱۳۷۹.
- ۷- وفاپی، شهربانو. سیمای میراث فرهنگی مازندران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۱.

- مرکزی و فلات ایران تألیف رقیه بهزادی. انتشارات طهوری ذکر گردیده است.
- ۸- حبیب‌الله آیت‌اللهی. تاریخ هنر، ص ۶۳.
  - ۹- آثار مکشوف در تپه مارلیک عبارتند از: ظروف سیمین، طلا، سفال‌های سرخ فام، جام‌های مفرغین، ریتون‌های متعدد و جام زرین مارلیک، قدمت آنها به هزاره اول قبل از میلاد می‌رسد.
  - ۱۰- علی ماهفروزی، مقاله پژوهش‌های باستان‌شناسی گوهرتپه، ص ۱۲.
  - ۱۱- یکی از ابداعات سفالگران ساکن در گوهرتپه، طراحی نوعی ظروف سفالی است که در داخل آن لوله‌ی باریکی از جنس سفال تعبیه گردیده است. متأسفانه نگارنده‌ی مقاله موفق به تهیه‌ی تصویر از این ظرف زیبا نشده است.
  - ۱۲- علی ماهفروزی، مقاله پژوهش‌های باستان‌شناسی گوهرتپه، ص ۱۱.
  - ۱۳- درباره‌ی واژه دوک در فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۹۹ آمده است: آلت نختابی، آلت چوبی که با آن نخ می‌ریسند.
  - ۱۴- درباره‌ی واژه ژتون در فرهنگ فارسی عمید، ص ۶۷۷ آمده است: پولک استخوانی که در قمار به جای پول دادوستد می‌شود.